

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۳۵ _ بخش اول _ معنای جنت _ اقوال چهار گانه
تاریخ: ۲۶ آبان ۱۳۹۹
مصادف با: ۳۰ ربیع الاول ۱۴۴۲
جلسه: ۱۳

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

تفسیر بخش اول آیه ۳۵

بعد از بیان مفاد کلی آیه و مفردات آیه، می‌رسیم به تفسیر و توضیح مطالبی که در این آیه بیان شده است. عرض کردیم این آیه دو بخش دارد که بخش اول آن امر به سکونت در جنت به همراه حوا است. دوم نهی از نزدیک شدن به آن درخت ممنوعه است. در اینجا خیلی از امور باید روشن شود مثل اینکه منظور از جنت چیست؟ اینکه امر به سکونت در این جنت شده، این جنت به چه معنا است؟ اینکه دستور داده شده هر چه می‌خواهید بخورید: «کلا منها...» معنایش چیست؟ اینکه به این درخت نزدیک نشوید، معنایش چیست؟ آن درخت ممنوعه چه بوده؟ این‌ها اموری است که باید در اینجا درباره اش توضیح دهیم و بحث کنیم.

معنای جنت

امر اول در مورد معنای جنت است. در مورد جنت چند احتمال داده شده است. در مورد آن بهشتی که به آدم دستور داده شده که تو و همسرت حوا در آن ساکن شوید، چند احتمال و یا به تعبیری چند قول وجود دارد.

۱. منظور از جنت همان بهشت برین و جنة الخلد است.
۲. منظور جنت برزخی است؛ آن بهشتی که در عالم برزخ و یا به تعبیر دیگر در عالم مثال وجود دارد.
۳. اینجا اشاره به یک جنت و باغی بر روی زمین می‌کند.
۴. توقف می‌شود چون نمی‌دانیم که منظور از جنت کدام یک از این‌ها است. زیرا هر یک از این احتمالات مؤیدات و شواهدی دارد. به تعبیر فخر رازی بعضی‌ها در این مسئله توقف کردند و گفته اند که واقعا نمی‌دانیم که کدام یک از این امور و احتمالات قابل پذیرش است.

قول اول

یکی از اقوال مهم در مورد بهشت و جنتی که به آدم امر شده در آن سکونت کند، این است که نه جنة الخلد است و نه جنت برزخی، بلکه اشاره به باغ و جنتی در روی همین زمین دارد. اگر هم سوال شود که تفسیر جنت به باغی در زمین با امر با هبوط سازگار نیست، چون بعدش دارد «قلنا اهبطا». این هبوط معنایش این است که از این باغ پایین بروید آنوقت چطور می‌تواند منظور باغی از باغ‌های زمین باشد؟ آن‌ها پاسخ می‌دهند منظور از هبوط در اینجا انتقال از یک بقعه به بقعه دیگر است یعنی کأن این کار و این گناه و تمرّد باعث شد که او از آن درجه و جایگاهی که در آن بود، به

یک مرتبه نازل تری سقوط کند. آنان چند دلیل هم برای این معنا آورده اند که به بعضی از این ادله اشاره خواهم کرد. فخر رازی به شش وجه از وجوهی که برای این قول ذکر شده و یا می‌تواند مؤید این‌ها باشد اشاره می‌کند. البته این ادله و شواهد هم جنبه سلبی دارد و هم جنبه ایجابی. جنبه های سلبی آن هم بعضا مربوط می‌شود به جنة الخلد و بعضا مربوط می‌شود به جنت برزخی. با این وجود در واقع اثبات نمی‌کند که این بهشت حتما روی زمین بوده، بلکه بعضی از این‌ها نفی آن بهشت جاودانه است که در آخرت به آن وعده داده شده و بعضی هم نفی بهشت برزخی است که ما بین این دنیا و آخرت است. و البته بعضی هم جنبه ایجابی دارد، یعنی از آن ادله استفاده می‌شود که این بهشت، همین بهشت روی زمین است و باغی از باغ های کره زمین است.

دلیل اول

یک دلیل بر اینکه این بهشت خالد نیست، این است که اگر آن بهشتی که آدم به امر خداوند در آن فرود آمد و ساکن شد، همان بهشت جاودانه بود، نباید ابلیس در آن راه پیدا می‌کرد در حالی که ابلیس در آنجا راه پیدا کرده بود. نباید در آنجا ابلیس می‌توانست آدم را گمراه کند و فریب دهد برای اینکه آن بهشت جاودانه خصوصیتش این است که شیطان در آن راه ندارد چون در قرآن آمده: «**لَا لَغْوَ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمًا**»؛ وقتی گناه کردن و به گناه انداختن در آن نیست، شیطان چگونه چطور رفته به آنجا و باعث شده که آدم گناه مرتکب شود؟ آن بهشت جای گناه و فریب شیطان و فریب خوردن انسان نیست.

دلیل دوم

یک شاهد دیگر بر اینکه آن جنت، جنة الخلد نبوده، این است که اگر جنة الخلد می‌بود، نباید انسان از آن خارج می‌شد چون عنوان جنة الخلد معنایش همین است. جنة الخلد یعنی جاودانگی و جنتی که جاودانگی و بقاء دائمی در دلش نهفته است. آنوقت انسان بعد از تمرد و نزدیک شدن به درخت ممنوعه از آن بهشت اخراج شد. پس نفس سکونت موقت و خروج از چنین بهشتی، دلیل بر این است که این بهشت جاودانه نبوده و باغی بوده از باغ های زمین.

دلیل سوم

شاهد دیگر این است که اگر این جنت، جنت خلد و دائمی بود، شیطان نباید اصلا واردش می‌شد. ببینید در اینجا دو تا بحث است، یکی اینکه شیطان در آنجا کسی را فریب دهد که گفتیم بهشت جای فریب نیست. دوم اصل ورود شیطان در این جایگاه است. برای آنکه شیطان بعد از مخالفت با امر به سجده رانده شد از درگاه الهی و مورد لعن خدا قرار گرفت و کسی که ملعون باشد، نمی‌تواند اصلا وارد بهشت باشد. کسی که لعن خدا شامل حالش شده باشد، کسی که غضب خدا شامل او شده باشد، نمی‌تواند وارد در آن جنت بشود.

۱. سوره طور، آیه ۲۳.

دلیل چهارم

جنة الخلد دار تکلیف نیست. آنجا از مسئله تکلیف میراً است در حالی که در اینجا به آدم تکلیف شد. برای اصل ورودش فرمود: «اسکن أنت و زوجک الجنة». بعد فرمود: «کلا منهما» که درست است امر به اکل است ولی در واقع یک رخصتی است برای اینکه هر نعمتی را به هر نحوه که بخواهید، استفاده کنید. ولی اینکه می‌گوید: «ولا تقربا هذه الشجرة»، این در واقع نهی و یک تکلیف است. وجود یک چیزی که انسان ممنوع از آن باشد، خودش یک دلیل است بر اینکه این نمی‌تواند جنة الخلد باشد. عمده ادله ای که ملاحظه فرمودید، در مقام نفی بهشت جاودان است.

دلیل پنجم

یک دلیل دیگر این است که اساساً از جنة الخلد تعبیر می‌کنند به دارُ الثواب؛ یعنی جایی که پاداش و جزای عاملان داده می‌شود. در آنجا نعمت‌هایی که داده می‌شود، در واقع جزا و پاداش عمل‌کنندگان به تکلیف است. سوال و اشکال این است که حضرت آدم که خلق شد به محض خلقت و بلافاصله بعد از خلقت و معرفی به ملائکه و تعلیم اسماء و سجده ملائکه، مأمور شد به سکونت در این بهشت. لذا تکلیفی نداشته و عملی نکرده تا بخواهد پاداش آن عمل را اینجا ببینید. بنابراین این نمی‌تواند جنة الخلد باشد.

دلیل ششم

یک شاهد دیگر این است که اگر شما می‌گویید این جنة الخلد و بهشت جاودان است، مسلماً آن بهشت در روی زمین نیست و در آسمان است. با توجه به اینکه طبق نقل قرآن و روایات این آفرینش روی زمین اتفاق افتاد. خداوند فرمود: «إني جاعلٌ في الارض خليفة» و او را از گل، خاک و آب آفرید و بعد روح در او دمید. معلوم می‌شود این اتفاق روی زمین بوده. لذا اینکه بگوییم خداوند متعال از روی زمین آدم را منتقل کرد به آسمان و در آن بهشت جای داد و بعد از آن دوباره به زمین برگرداند، ما در هیچ جا چنین نقل و گزارشی نمی‌بینیم که انسانی که در روی زمین آفریده شد، بعد از نفخ روح به آسمان رفته باشد و در آن بهشت قرار گرفته باشد و بعد هبوط کرده باشد به سوی زمین. چه اینکه اگر چنین می‌بود، بالاخره این یکی از نعمت‌های بسیار مهم خداوند تبارک و تعالی می‌بود و باید ذکر می‌شد در حالی که ما هیچ جا چنین نقل و گزارشی را نمی‌بینیم.

سوال:

استاد: ما فعلاً داریم نقل اقوال را می‌کنیم و انشاء الله بعداً این را مورد بررسی قرار خواهیم داد. بله در مقام بررسی عرض خواهیم کرد که بیشتر این‌ها سلبی است، یعنی نفی می‌کند اینکه منظور از جنت بهشت جاودان الهی باشد ولی اثبات اینکه این باغ در روی زمین بوده، نمی‌کند. در بین این ادله شاید دو دلیل در مقام اثبات این امر بودند. این‌ها مجموعاً ادله ای است که قائلین به قول اول (که معتقدند جنت در این آیه به معنای باغی از باغ‌های کره زمین است) ذکر کرده اند.

قول دوم

بعضی معتقدند که خیر اساسا این جنت در همان آسمان بوده و روی زمین نبوده. و الشاهدُ علی ذلک، آیه قرآن است که میفرماید: «إِهْبَطُوا مِنْهَا». هبوط یعنی سقوط و نزول و این خودش بهترین شاهد است بر اینکه بهشت در همان آسمان بوده. منتهی می‌گویند اهباط دو مرحله داشت. یک مرحله این است که اهباط از آسمان هفتم به آسمان اول بود، مرحله دوم از آسمان اول به روی زمین بود. یعنی خداوند انسان را در آسمان هفتم آفرید و بعد او را در بهشتی که در آسمان اول بود جای داد. پس این بهشت روی زمین نیست و باغی از باغ‌های کره زمین نیست. بعد از آسمان اول دستور به هبوط داده شد و بر روی زمین فرود آمد.

قول سوم

یک قول هم این است که منظور از جنت همان دارُ الثواب و جنة الخلد است. برخی از مفسرین معتقدند که این آیه دارد یک بهشت معهودی را اشاره می‌کند. «ال» که در «الجنة» آمده دلالت بر یک بهشت معهود دارد. این را باید بیشتر توضیح دهیم که این «ال» برای عهد است و برای جنس نیست و برای آدم شناخته شده بوده و در آیه هم که «ال» بکار برده، در واقع برای عهد است که مسلمین همگی می‌شناسند که آن جنت چیست.

قول چهارم

عده ای هم توقف کردند و می‌گویند همه این‌ها محتمل است و ما نمی‌توانیم یکی را رد کنیم یا یکی از این‌ها را اقوی از دیگری بدانیم. ممکن است جنت خلد منظور باشد، ممکن است جنت برزخی یا مثالی منظور باشد و ممکن است که باغی از باغ‌های بهشت باشد. اما چون نمی‌دانیم و ترجیحی هم نمی‌توانیم برای یکی نسبت به دیگری قائل شویم، لذا امکان همگی وجود دارد و دلیل نقلی قوی هم بر ترجیح هیچ یک از این‌ها وجود ندارد. نوعا ادله و روایاتی که در این رابطه وارد شده ضعیف و بعضا متعارض اند، بنابراین بهتر است توقف کنیم و بگوییم همگی محتمل است و هیچکدام برای ما معلوم نیست. در واقع این به معنای اجمال این آیه است. وقتی می‌گویید متوقفیم، یعنی چون این آیه احتمالات متعدد دارد مجمل است و نمی‌دانیم کدام یک مقصود است.

این‌ها اقوالی بود که در این مورد ذکر شده است.

حال باید دید آیا می‌توان یکی از این چهار احتمال را در اینجا تقویت کرد؟ اقوال را ملاحظه فرمودید هر چند ادله قول اول با تفصیل بیشتری ذکر شد چون بعضی هم آن را ذکر کرده بودند اما باید دید که واقعا حق در مسئله چیست. آیا آن جنتی که آدم در آن سکونت کرد، جنت برزخی است؟ آیا شواهدی که ذکر شده، مساعد این احتمال هست که بگوییم جنت برزخی است؟ یا منظور جنة الخلد است؟ یا منظور باغی از باغ‌های کره زمین است؟

انشاءالله باید در جلسه آینده به مقتضای ادله توجه کنیم و ببینیم مجموع این ادله چه اقتضایی دارد و ما را به چه نتیجه ای می‌رساند.

«والحمد لله رب العالمین»